

مساجد و مدارس چهار ایوانی و دوايوانی در خرگرد و سنگانِ خواف

گزارش سفر خواف - بخش چهارم

قدیمی ترین بنای چهار ایوانی در ایران و مدرسه غیاثیه خرگرد

روز شنبه ۹۱/۱۱/۲۱ ساعت ۹ صبح به مدرسه غیاثیه خرگرد می رویم از بناهای چهارایوانی دوره سلجوقی که حالت میدانگاهی داشته و تزیینات بیرونی آن همچون تزیینات درونیش در دورتا دور بنا خود نمایی می کند. بخشهایی البته ترمیم شده است و بخشهایی آسیب دیده مانده است.

پیش از هرچیز آقای لباف به بقایای سیمانی که کمی دورتر از مدرسه غیاثیه است، اشاره می کند و می گوید: آنجا مدرسه نظامیه خرگرد بوده - از لعبتهای فرهنگی فرهنگ ما- که وقتی آندره گذار در ۱۳۱۹ بررسی کرد و نقشه اش را ترسیم کرد، به این نتیجه رسید که این بنا اولین بنای چهار ایوانی ایران بوده که در دوره سلجوقی بنا شده (تا آن زمان بناها به صورت یک یا دو ایوانی بوده). آثار اندکی از این مدرسه به جا مانده که در حال حاضر در موزه آثار اسلامی تهران نگهداری می شود. از جمله کتیبه ای با ابعاد حیرت انگیز در ۴۰ متر طول و یک متر و ده سانت عرض، که بدین ترتیب در شمار بلندترین کتیبه ها، قرار دارد. این کتیبه از گل قالب ریزی شده ساخته شده است.



صبح روزی که به خواف رسیده بودیم -جمعه- آقای توکلی در مورد وجه تسمیه خرگرد گفتند، که از ترکیب «خر» به معنی خور/ خورشید و «گرد» به معنی شهر است و به این تعبیر خرگرد به معنی شهر آفتاب است. روی تابلو در مورد مدرسه غیاثیه نوشته که این بنا در زمان شاهرخ تیموری به همت پیراحمد خوافی و به دست توانای دو برادر شیرازی به نام قوام الدین و غیاث الدین شیرازی در ۸۴۸ ق بنا شده است.



داخل مسجد که می رویم دکتر صادقی توجهمان را به بقایای زرد و کمرنگ تاریخ ۸۴۹ پایین این کتیبه جلب می کند:



بالای درب ورودی هم - که از جنس چوب است - به زمان بازسازی مدرسه اشاره شده است:

«تعمیرات مدرسه غیاثیه خرگرد توسط دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی در خراسان از سال ۱۳۴۸ آغاز گردید. این در چوبی نیز ضمن تعمیرات در سال ۱۳۶۳ شمسی تهیه و نصب شده است.»

راهنمای دانای خواف، آقای لباف، اطلاعات ارزشمندی در مورد این بنا می دهند:

اگر بخواهیم شهرهای مختلف خراسان را ارزش‌گذاری کنیم زوزن ارزش تاریخی بالا و خرگرد ارزش علمی بالایی - به دلیل بقایای مؤسسات علمی - نسبت به دیگر نواحی خراسان دارند.

شواهد نشان می دهد مدرسه غیاثیه در زمان خودش هم بنای مطرحی بوده، چراکه به عنوان یک نماد در میدانگاهی قرار داشته و علاوه بر تزیینات داخلی، دیواره های بیرونی بنا هم تزیینات زیبایی دارد.

به دلیل ایجاد فضاهای اقامتی زیاد این بنا را دو طبقه ساخته اند، ۳۶ حجره دارد که هر کدام خوابگاهی کوچک برای ۳ تا ۵ دانشجو یا طلبه بوده است. کلاسهایی هم در زاویه های بناست. یک تالار اجتماعات، مسجد، کتابخانه و کلاس درس هم در زوایای بنا دارد.

دو برادر به نام قوام الدین و غیاث الدین شیرازی (که سازندهٔ مسجد گوهرشاد مشهد هم بوده است) این بنا را می‌سازند. در میانهٔ کار قوام الدین فوت می‌کند که آرامگاهش روبروی مدرسه غیاثیه است. سپس غیاث الدین کار را تمام می‌کند و بدین‌ترتیب نام مدرسه به دو منظور غیاثیه نامیده شده یکی به نام سازنده - غیاث الدین شیرازی - یکی هم به نام غیاث الدین پیراحمد خوافی که دستور ساخت بنا را داده است.

یکی از تفاوت‌های این مسجد - مدرسه با دیگر بناها تلفیق کاشی و آجر در آن است که به خوبی کنار هم نشسته‌اند. تلفیق سنگ و کاشی نیز از بدایع این بناست، بویژه با سنگ مرمر که زیبایی آنرا دوچندان کرده است. همچنین از برجسته‌ترین مشخصهٔ بناهای دورهٔ تیموری به کاربردن کاشی معرق است که در این مدرسه به تایید هنرشناسان در حد کمال است. کاشی معرق را که زخامت چوب کبریت داشته روی پنلهایی می‌ریختند پشتش را دوغاب گچ می‌ریختند و روی دیوار نصب می‌کردند.

وارد راهرو که می‌شویم سمت راستمان مسجد و سمت چپمان تالار اجتماعات است که به آن مدرّس می‌گفتند. ابتدا به مدرّس می‌رویم. نقاشیهای زیبای روی دیوار و دریچهٔ بالای بنا که نور را به داخل می‌آورد و موجب انعکاس نور و ایجاد نورپردازی بر فیل‌گوشها شده، فضای تالار را زیبا و روحانی کرده است آقای لباف این را از ترفندهای هنرمندانه معمار در نورپردازی و گنبدی شکل ساختن بنا معرفی می‌کند.



سمت راست بنا- قرینهٔ مدرّس- مسجد است که در نورپردازی مشابه مدرّس است، اما تفاوتش با آن، یکی در محراب است و دیگر در نحوهٔ تزیینات. کتیبه ای هم داشته که ظاهراً فقط داغی دورش -آزارهٔ آن- مانده است.



دیواره های ایوانها را که نگاه می کنیم متوجه کاشیهای مفقوده آن می شویم آقای لباف می گوید چنین به نظر می رسد اکثر کاشیها را به عمد درآورده اند - که در خیلی از موزه های دنیا هستند- برخی کاشیها هم آسیب دیده که احتمالا سعی کردند در بیاروند اما نتوانستند و در نهایت باقی مانده است.



بخش هایی از بنا ترمیم -رفع نقص- شده و بیرون حجره ها با الگوبرداری از حجره های سالم بازسازی شده و سعی شده گونه قدیمی و اصل آن حفظ شود.



یکی دیگر از زیباییهای بنا به کارگیری مقرنسهاست.

در انتهای بنا، روبروی ایوان ورودی، اطاقک تاریک و کوچکی بود که گفتند احتمالاً کتابخانه بوده است. وارد یکی از حجره ها می شویم که در زاویه قرار دارد، خیلی تاریک است، آقای لباف گفتند این یکی از کلاس ها بوده و پیشتر از درهایی که در حال حاضر از مصالح پر شده است نورگیری می کرده .

«این مسجد یک درب ورودی اصلی و هشت درب فرعی داشته است»

در ادامه خوفنوردان به سمت مسجد گنبد حرکت می کنند، مسیر ما بانوان میراث- اندکی فرق می کند ابتدا به منزل آقای پوریعقوب می رویم تا غذای محلی به نام «اشکنه بنه» - که خانمشان لطف کرده، برایمان پخته اند- را بیاوریم. غذایی که زینتبخش سفره صبحانه فردای آن روز است.



مسجد جامع گنبد





به گروه که می رسیم مسجد جامع گنبد را دیده اند، یکی از زیباترین بناهای دوره سلجوقی در کوچه ای کهنه و تنگ با دیوارهای گلی فروریخته که آیات قرآنی بر سردوش محراب آن نقش بسته و دارای یک ایوان روبه آفتاب و دو ایوان کوچکتر در طرفین است که هر طاقی زیرش تزئیناتی متفاوت دارد.

قسمت درونی گنبدها از آجر ساخته شده، منتها دیوارها تا زیر سقف گچ شده است. از دکتر صادقی به نقل از آقای لباف شنیدم که اگر این گچها تراشیده شود کل مسجد آجری و قرینۀ سقف خواهد بود.

این مسجد هنوز هم دایر است چنانکه هنگام نماز ظهر که رسیدیم امام جماعت در اطاقکی ایستاده بود و افرادی با لباس محلی پشتش ایستاده بودند و نماز می خواندند. و جالب اینکه در این محل یک روز در هفته مثنوی و روزهای دیگر قرآن تدریس می شده است.

بعضی گویند این بنا از آثار تاج الدین ابولفضل نصر ابن طاهری محمد صفاری است که بین ۴۸۳ تا ۵۵۹ از طرف سلجوقیان در سسیتان حکومت داشته است.

مسجد جامع سنگان بنایی بازمانده از دوره سلجوقیان / خوارزمشاهیان



روی تابلو قدمت آن دوره خوارزمشاهی و به گفته راهنمایان از دوره سلجوقیست



مسجد جامع سنگان را که مشاهده می کنیم ساختار بنا توجهمان را جلب می کند. آیا بنا به عمد ذوزنقه شکل بنا شده یا داستان دیگری دارد؟ تلفیق آجر و کاشی را همچنان مشاهده می کنیم و طاقهایی که هر کدام تزیینات متفاوتی دارند. داستان مسجد سنگان را از زبان آقای لباف می شنویم:

از اواخر قرن ۶ ق سبک معماری مساجد دو ایوانی وارد ایران شد که شروع آن منحصر به خراسان بوده، لذا آندره گذار به آن سبک خراسانی می گوید مسجد جامع گناباد، مسجد سنگان، مسجد زوزن، مسجد فردوس و مسجد

رقه از جمله مساجد دو ایوانی خراسان هستند. از خصوصیات این مساجد این است که در دو طرف ایوان قبله و ایوان مقابل قبله، دو شبستان است و تزیینات بیرونی مسجدها برای اولین بار تلفیق آجر و کاشی است. کتیبه در این مساجد اهمیت عمده ای داشته که نمونه آن کتیبه مسجد گناباد است.

این مسجد چون در منطقه زلزله خیز واقع بوده، بر اثر زلزله های متعدد پایه های ایوان و غرفه های آن رانش پیدا کرده، سپس شکافها با دوغاب گچ پر شده و به این شکل درآمده است. گمانه های باستان شناسی مبنی بر پر شدن پایه ها از دوغاب گچ این فرضیه را تایید می کند، از این رو فرضیه ذوزنقه شکل بناشدن این مسجد منتفی است.

ساعت ۱:۰۰ بعدازظهر به اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری شهرستان خواف می رویم.



در این موزه نمادهایی از این سرزمین نگهداری می شود همچون مجسمه پیرمرد دوتارنواز که سمبل موسیقی محلی خراسان است، آسباد کوچکی که آسبادهای نشتیفان را به یاد می آورد و نمونه بازسازی شده کتیبه به جای مانده از نظامیه خرگرد که اصل آن در موزه ایران باستان نگهداری می شود؛



کتیبه بازسازی شده نظامیه خرگرد

همچنین مجسمه هایی از زنانی که به پارچه بافی و نخ ریزی و قالی بافی مشغولند و مردانی که در حال آهنگری، تنورمالی و جمع آوری گندم و جو هستند





تهیه گزارش:

نقیسه ایرانی